

فرهنگ و فوتبال



پژوهشگر مطالعات فرهنگی محمد جواد اسلانی

واژه فرهنگ امروز آن قدر پریسامد و تکرار است که ترکیب سازی های گوناگون بر مبنای آن فراوان انجام می‌شود. چه بسیار کسانی هستند که با پیشوند یا پسوند ساختن فرهنگ در کنار دیگر واژه‌ها کوششی می‌کنند تا به نوعی به ظن خویش از ظرفیت استانداردسازی مفاهیم بهره ببرند. هرچند این گستردگی کاربرد فرهنگ شاید در ابتدا خوب و کارآمد به نظر برسد، ولی در صورت عمومیت یافتن بدون استدلال و تخصص، موجب سطحی شدن رویکردهای فرهنگی می‌شود.

فوتبال مقوله‌ای بسیار پیچیده و چندبعدی است‌که امروز به‌مفهومی جهان‌شمول و مشترک میان جامعه‌های انسانی بدل شده است. به دیگر سخن، فوتبال ورزشی است که در جهان معاصر بیش از آنکه یک تخصص، سرگرمی یا حتی صنعت باشد، یک پدیده بزرگ و تأثیرگذار فرهنگی است. هرچند با ترکیب واژگانی چون فرهنگ با پهنه فوتبال و مثلاً به کار بردن عنوانی چون فرهنگی برای باشگاه‌های حرفه‌ای کوشش شده است این مسئله فرهنگی بودن فوتبال نمود یابد، اما به نظر می‌رسد فرهنگی بودن فوتبال بیشتر در همان بضاعت قبل باقی‌مانده و از این ترکیبات معنای دقیقی بی‌جویی نشده‌است. با گسترش و حرفه‌ای شدن ورزش فوتبال و زمینه‌سازی بهره‌برداری‌های تجاری و صنعتی از آن، مسئله توجه به ظرفیت‌های فرهنگی آن بیش از پیش مطرح شد. شاید دو رویکرد کلی فرهنگی مرتبط با فوتبال را بتوان مدنظر قرار داد. رویکرد نخست، مطالعه فرهنگی فوتبال در راستای شناخت بیشتر و دقیق‌تر این ورزش و شیوه تعامل و برهم‌کنش با فضای اجتماعی، آن‌هم با هدف توسعه و بهره‌برداری بیشتر از این ورزش است. درواقع سرمایه‌گذاران حوزه فوتبال برای بهره‌برداری‌های بیشتر و تحقق اهداف سرمایه‌داری خویش ناگزیر هستند تا با رویکردی فرهنگی به این ورزش بپردازند تا بتوانند زمینه توسعه و گسترش مصرف مستقیم و غیرمستقیم فرهنگی وابسته به این ورزش را فراهم آورند.

درواقع در این رویکرد می‌توان از رویکرد فرهنگ‌به‌سیاست‌گذاری برای توسعه ورزش فوتبال باهدف توسعه مصرف در جامعه پرداخت. به‌عنوان مثال ظرفیت ویژه فرایندهایی چون برگزاری کلان رویدادها و کارناوال‌های فوتبالی بهترین عرصه برای جریان‌سازی مصرف در جامعه‌است. تجزیه‌برگزاری رویدادهایی چون جام جهانی فوتبال در کشورهای گوناگون، به خوبی نشان از رشد رفتار مصرفی در جامعه‌دارد. مطالعه دگرگونی‌های فرهنگی و هویتی در برخی کشورهای به ویژه سنتی که میزبان برگزاری جام جهانی فوتبال بوده‌اند به‌خوبی نشان از تغییر رفتار مصرفی جامعه سنتی اشاره شده دارد.

همچنین فوتبال کوشش می‌کند تا به نوعی یکنواختی اجتماعی در برابر تنوع سنتی پیش از آن دست یابد. کنار هم جمع کردن افراد از ملیت‌های گوناگون و تکرار فرایندهای رویدادی برآمده از فضای سرمایه‌داری و تأکید و بزرگ‌نمایی امر لذت و سرگرمی کاملاً در تعارض با رویدادهای عمدتاً سنتی و مذهبی پیش از آن قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت نظام سیاست‌گذاری فوتبال در جامعه سرمایه‌داری به دنبال امتداد زنجیره تولید سرمایه در راستای منافع صاحبان سرمایه است.

اما رویکرد دوم، مطالعه فوتبال به‌عنوان یک زمینه‌اثربخش بر کنشگری‌های اجتماعی است. درواقع می‌توان در نظام کنترل اجتماعی از فوتبال به‌عنوان ابزاری مهم و فرهنگی برای توسعه و پیشرفت بهره‌برداری کرد. فوتبال به دلیل ویژگی‌های ذاتی و اجتماعی خویش چنانچه در بستر رویکردهای فرهنگی قرار گیرد از ظرفیتی بالا برای ارتقای نظام ارزش‌های فرهنگی جامعه برخوردار است. به‌عبارت دیگر فرهنگ برآمده از فوتبال چنانچه در مدار ارزش‌های اجتماعی جامعه حرکت کند، از ظرفیتی بی‌نظیر برای تقویت بنیان‌های فرهنگی برخوردار خواهد بود. باید دقت کرد که عکس این ماجرا نیز ممکن خواهد بود. به‌گونه‌ای که اگر ارزش‌های فرهنگی پهنه فوتبال در مدار ارزش‌های بنیادین جامعه جایگذاری نشده منجر به شکل‌گیری تعارضاتی گشته و حتی می‌تواند به تولید ضدفرهنگ بپردازد. اما حقیقت این است که فوتبال به دلیل انسانی بودنش از جنبه‌های نمادین و سنتی ویژه‌ای برخوردار است که در صورت تقویت می‌تواند به اصلاح اجتماعی نیز کمک کند. به‌عنوان مثال بهره بردن از ظرفیت این ورزش برای افزایش تعلق خاطر فرهنگی مردم به نظام اجتماعی موجب ارتقای سرمایه اجتماعی خواهد شد.

فوتبال امکان نقش‌آفرینی دردوعرصه فرهنگ‌رسمی و غیررسمی جامعه‌راداراست. اتفاقاً در نظام‌های اجتماعی چرخش از رویکرد اول و تقویت‌کننده سرمایه‌داری به رویکرد دوم و بهره‌مندی از فوتبال در راستای تقویت ارزش‌های فرهنگی یک اصل بنیادین است. ازاین‌رو توجه به فوتبال فراتر از حوزه‌های مدیریت ورزشی است و نیازمند توجه سیاست‌گذاران فرهنگی به ظرفیت‌های آشکار و پنهان این ورزش جذاب است.

زین‌قدیار

علیرضا حیدری (مدرس ویراستاری)

چند جایگزین فارسی

- تساوی < برابری
- مساوی < برابر
- جدال < کشمکش
- جلاد < دُزخیم
- بدون شک < بی‌گمان
- اولاً < نخست
- اهدا < پیشکش
- اهتمام < کوشش
- کسالت < بیماری
- کرنومتر < زمان‌سنج
- کسبه < فروشندگان
- کلاسه < رده‌بندی
- کلوب < باشگاه

#زین‌قدیارسی

شماره‌ها

شبه‌هفت‌جای‌اول FAIR شماره ۵۰۰ اثر (۱۳۹۱)

۱۰

فرهنگ و ادبیات

یک تلنگر محکم به پدر و مادر

معرفی کتاب «چگونه صحبت کنیم تا کودکان گوش کنند و چگونه گوش کنیم تا کودکان صحبت کنند»

معرفی کتاب

«چگونه صحبت کنیم تا کودکان گوش کنندو چگونه گوش کنیم تا کودکان صحبت کنند» در درجه اول یک تلنگر جدی و عمیق به والدین است. با خواندن کتاب والدین در می‌یابند که چقدر از میزان مخرب بودن برخی رفتار و گفتارشان بافرزندان غافل بودند و چه میزان از استمرار رفتار و گفتاری که تأثیرات مثبت و سازنده بر کودکان دارندغفلت دارند.

سبک نگارش کتاب بسیار کاربردی است و به هیچ وجه حالت انتزاعی ندارد. مخاطب دقیقامی‌داند اگر مثلاً به دنبال این است که فرزندش از پرخاشگری دست بردارد باید چه کارهایی انجام

شرح یک دورهمی مجازی با احسان رضایی که در باب آداب کتاب‌خوار شدن گذشت

شفا در برج عاج

محبوبه عظیم زاده

گزارش نشست

سال ۲۰۱۷ یک کم‌دین آمریکایی، رمان، شوخی بی‌پایان، دیوبید فاستر و الاس را مقابل دوربین‌ها خورد. مینلیک دوم، امپراتور اتیوپی نیز که قلبش در اواخر عمر، حساسی با او سر ناسازگاری داشت و چند حمله قلبی را از سر گذراند، تصمیم گرفت با خوردن انجیل شفا پیدا کند، اما در نهایت، پس از آخرین حمله قلبی و در حال بلعیدن انجیل مرد.
بله، این یک واقعیت است که در طول تاریخ کسانی بوده‌اند که کتاب می‌خورندند! البته، کتاب‌خواری، داریم تا، کتاب‌خواری،! کتاب‌خوار شدن اتفاقاً مسلک خودش را دارد و آیین و آداب مخصوصی و به همین سادگی هم نیست که آدم دهانش را باز کند و آن الیاف سلولری را بلعده و بفرستد پایین. روایت پیش‌رو شرح ساعاتی هم‌نشینی با احسان رضایی، یکی از کتاب‌بازها و کتاب‌خوان‌ها و کتاب‌خوارهای قهار است که کتاب، آداب کتاب‌خواری، را نیز نوشته‌است. مخاطب این دوره‌می مجازی که دومین کارگاه آموزشی از سلسله کارگاه‌های آموزشی چی‌کتاب در مشهد است، کسانی هستند که تمایل دارند انس و الفت بیشتری با کتاب‌ها برقرار کنند، بیشتر به آن‌ها نزدیک شوند، حداکثر بهره را از آن‌ها ببرند و در یک کلام، بشوند یک کتاب‌خوار واقعی.

● کرم مسافر برج!

قبل از پاسخ به سؤال اصلی نشست که همان «چگونه به یک فرد کتاب‌خوار تبدیل بشویم؟» است، بد نیست سرکی بکشیم به کتاب «مسافر، برج، کرم». کتابی که احسان رضایی در آغاز نشست گریزی به آن می‌زند و از سه استعاره اصلی دنیای خواندن که کتاب‌خوان‌ها و کتاب‌خوارها به طور قطع با آن آشنا هستند می‌گوید. کتابی که آلبرتو مانگوتل، پژوهشگر برجستهٔ ادبیات و رمان‌نویس آرژانتینی، در آن با گشت‌وگذار در میان آثار برجسته ادبی و شخصیت‌های داستانی، این سه استعاره را بررسی می‌کند: مسافر، خواننده‌ای که با کتاب و در کتاب، به جهانی که کتاب برایش می‌سازد سفر می‌کند. برج عاج، یا همان دژ و قلعه، جایی که خواننده در آن ساکن است و درواقع در آن پناه می‌گیرد از شر آسیب‌های زمانه و هرآنچه در پیرامونش می‌گذرد و کرم، همان کرم کتاب‌ها یا خوره کتاب‌ها و کتاب‌خوارها که آن‌ها از کتاب و کلمه جدایی ندارند و کتاب‌ها و کلمات از آن‌ها؛ اصطلاحی رایج از قرن شانزدهم که رضایی می‌گوید «آداب کتاب‌خواری» اش نیز از همین عنوان الهام گرفته است.

● کتاب خواندن، راهی برای گذر از روزهای سخت روزهای سخت و عجیبی را از سر می‌گذارانیم و به قول احسان رضایی کتاب‌خواندن راهی است برای مدیریت موقعیت‌های سخت. او معتقد است هنوز که هنوز است، در گپ و گفده‌های مان، صحبت از کتاب‌ها جای خود را در کنار صحبت از فوتبال یا سیاست یا مسائل روزمره باز نکرده‌است و درواقع هنوز وقتی بخواهیم درباره کتاب حرف بزنیم، اتفاق عجیبی محسوب می‌شود و حتی شاید فضل فروشی قلمداد شود. در صورتی که وظیفه ماست تا خوب‌ها و خوبی‌ها را در جهان پراکنده کنیم. پس برویم سر و تق به همین مسئله اصلی و خوبمان که

چرایی یک ریزش!

نمی‌تواند دانسته‌هایش را به‌هنر جو منتقل سازد، اما مشکل کاهش استقبال از ادامه دوره‌های آموزشی داستان‌نویسی با حضور مدرسان توانمند با دانش نیز بر طرف نمی‌شود. یک علت مهم این اتفاق، «دشواری نوشتن داستان» است. ظاهراً در داستان‌نویسی بر خلاف شاعری، استعداد در صدالایی از لوازم هنر جو را به خود اختصاص نمی‌دهد. شاعر کم استعداد هر قدر هم بکوشد شاعر خوبی نمی‌شود، اما داستان‌نویس کم استعداد با تلاش بی‌وقفه می‌تواند قدرت خود را برای نوشتن افزایش دهد و داستان‌نویس مطرحی شود. همین عنصر «تلاش» است که به‌مثابه صافی عمل می‌کند و



داستان‌نویس امیرحسین رحمانی

بدهد و چه کارهایی انجام ندهد یا اگر کودک تمایل چندانی به ارتباط‌گیری عاطفی عمیق با والدینش ندارد، علت را باید در چه‌اموری جست‌وجو کرد؛ یا اگر می‌خواهیم بدون تنبیه یا تحکم و داد و فریاد فرزندمان را به کاری که دوست ندارد و ادار کنیم از چه راهکارهایی می‌توانیم استفاده کنیم؛ یا چگونه بدون پرخاش و عصبانیت و ابراز خشم به کودک تفهیم کنیم که از کاری که کرده‌است ناراحت هستیم. روش‌های جایگزین تنبیه، بهترین و



کم‌کم می‌آید. روشی که از چیدمان و جلد کردن کتاب‌ها شروع می‌شود و تا اینکه چطور کتاب را بخوانیم، چطور یک کتاب را انتخاب کنیم، سیر مطالعاتی‌مان چگونه باشد و... را شامل می‌شود. حالا اگر در ذهن برخی از شما این سؤال به‌وجود آمده‌است که سروشکل ظاهری کتاب خواندن آیا واقعا تأثیری در ذات این مسئله می‌گذارد یا نه؟ ارجاعتان می‌دهیم به این بخش از گفته‌های رضایی: «بله، نظم ظاهری نظم ذهنی را به ارمان می‌آورد.»

● قدم پنجم: برای کتاب‌ها کاربردی پیدا کنید توصیه پنجم او این است که راهی برای استفاده از کتاب پیدا کنید. رضایی بر این باور است که پیدا کردن کاربرد برای یک کتاب، چه در حد استفاده از متن آن در نقل و قول‌ها و مکالمات روزمره باشد، چه در یک اقدام جدی‌تر، می‌تواند به این سؤال منجر شود که: «کتاب در زندگی به من چه کمکی می‌کند؟» که در نتیجه، این مسیر، هدفمندتر، جذاب‌تر و مفیدتر خواهد شد.

● ولع کتاب زیاد خواندن را به یک کتاب را زیاد خواندن تبدیل کنیم بخش پایانی این نشست مجازی، با پرسش و پاسخ‌های مخاطبان همراه بود که در خلال آن، نکات دیگری نیز مطرح شد.

توصیه‌هایی نظیر اینکه سعی کنیم نویسنده و مترجم‌های خوش قلم را شناسایی کنیم یا به جای اینکه دنبال خواندن کتاب‌های زیادی باشیم، یک کتاب را چند مرتبه بخوانیم تا درک بهتری از آن پیدا کنیم.



چرایی یک ریزش!

می‌شود. بعد مدتی متوجه سختی و طولانی بودن راه می‌شود و اگر ره‌رو نباشد، بی‌تردید اموختن داستان‌نویسی را کنار می‌گذارد. چنین شخصی در نهایت تا پایان دوره اول با کلاس همراه خواهد بود و بعد می‌رود دنبال علایق دیگری. مشکل دیگر عاشق نبودن است! هنر نوشتن عشق می‌خواهد و صرف‌جاه طلبی از هنر جو نویسنده نمی‌سازد! او باید بداند که علاوه بر حمت فراوان، مشکلاتی چون خشکیدن گهگاه قلم و افسردگی و... چشم انتظار اوست و تنها باید ا دل‌گدایی برای داستان‌است که می‌تواند بر این بازدارنده‌ها چیره‌شود و چنین کسانی که هم زحمت‌کش عرصه داستان باشند و هم عاشق آن، زیاد نیستند!

شبه‌باشا بنشین فردوسی

شاهنامه از نوع حماسه‌های اساطیری و پهلوانی و تاریخی است که مجموعه‌ای از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی و فکری ایرانیان درباره شئون مختلف زندگی در آن آمده‌است. وقتی فردوسی به‌شرح داستان زندگی پهلوانان و شاهان و بزرگان می‌پردازد، کودک و جوانی و عشق و ازدواج و فرزندآوری و پیری و مرگان‌ها را نیز روایت می‌کند. در این میان، ماجراهای عاشقی برخی شخصیت‌ها چنان جالب‌اند که به‌طور مستقل می‌توان آن‌ها را یک منظومه عاشقانه در دل یک روایت حماسی بزرگ دانست. بنابراین نقش حکیم توس علاوه بر سرودن حماسه ملی ایران، در سرودن منظومه‌های عاشقانه نیز پررنگ و بی‌همانند است، زیرا داستان‌های عاشقانه شاهنامه مثل داستان «زال و روداو» در شمار نخستین منظومه‌های عاشقانه ادبیات فارسی و سرمشق شاعران بعدی است.

منع قانونی دارد و کسی از ایرانیان موافقتش نیست. با این حال عاشقانه‌های «زال و روداو» پس از کش‌وفوس‌های فراوان با موافقت سام و منوچهر به ازدواج می‌انجامد. بیت‌هایی که در ابتدا آمد، عاشق‌شدن زال را روایت می‌کند. عاشق‌شدن روداو نیز با بیت‌های زیبایی وصف شده است: «که من عاشقی‌ام چو بحر دمان/ از او بر شده موج تا آسمان/ پر از پو سام است روشن دلم/ به خواب اندر اندیشه زو نگسلم!» در عاشقانه‌های شاهنامه، حالات شخصیت‌ها هرگز به خواری آن‌ها نمی‌انجامد و عاشقان همواره شکوه و پهلوانی و جوانمردی را حفظ می‌کنند و هرگز دین و آیین و خرد را از یاد نمی‌برند. زنان نیز علاوه بر زیبایی و جذابیت همواره خردمند و پاک‌دامن و وفادارند.



شاعر و پژوهشگر شمس‌ا شاهرناشین

او ماجرای عاشقانه «زال و رودابه» است. «زال» فرزند جهان‌پهلوان ایران یعنی «سام» است، و در بدو تولد چون موهای سفید است، پدرش با این اعتقاد که‌ن بیماری فرزندش حکایت از اهریمنی‌بودنش دارد، طفل را در بیابان رها می‌کند و این طفل را «سیمرغ» برمی‌گیرد و بزرگش می‌کند و در جوانی به پدرش برمی‌گرداند. «زال» نیز که خرد و قدرت خود را به پدر نشان می‌دهد، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد و جانشین جهان‌پهلوان ایران می‌شود. روزی با فرمانروای کابل یعنی «مهراب» آشنا می‌شود و از دختر مهراب می‌شود که اسمش «روداو» است و دل می‌بازد. «روداو» نیز با سخنانی که درباره «زال» می‌شنود، عاشق می‌شود. چون «مهراب» از نسل «ضحاک» و بیگانه است، ازدواج این دو جوان